

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ مارچ ۲۰۲۰

فرار از "زندان کرونا"!

چهارشنبه- ۲۸ حوت ۱۳۹۸ - کابل: دو روز قبل همه از طریق رسانه های مطلع شدیم که ۴۰ تن از افرادی که به ظن مثبت بودن ویروس کرونا در وجود شان، در بیمارستانی در هرات بستری بودند، همه با شکستن درها و پنجره ها، فرار نموده اند. یادداشت امروز ما به بحث در همین مورد اختصاص یافته است:

۱- بحث ما را از شرایط تجرید بیمار یا همان "قرنطین" بیمار آغاز می نمائیم. در اینجا استناد ما از لحاظ مسلکی به سخنان وزیر به اصطلاح "وزارت صحت دولت دست نشانده" می باشد.

* - یک بیمار می باید در یک اتاق به تنهایی بستر گردد،

* - دستشویی و تشناب مریض می باید جدا باشد، زیرا ویروس به همان سان که از طریق تماس به انسان دیگری انتقال می یابد، حین تخلیه در یک دستشویی مشترک نیز قابل انتقال می باشد،

* - در دستشویی آب گرم ۲۴ ساعته در دسترس مریضان قرار داشته باشد،

* - مریضی که در بستر است می باید ملبس به لباس خاصی که برای مریض های خاص تهیه گردیده، باشند.

* - ضمن آن که جهت سرگرمی مریض می باید در اتاق مریض امکانات وقت گذرانی از قبیل تلویزیون وجود داشته باشد، هیأت طبی بیمارستان نیز موظفند حین دیدار با مریض ها، ملبس به لباس امنیتی و حفاظتی لازم باشند.

* - مریض می باید به علاوه تداوی لازم و تغذیه سالم و مفید جهت تقویت مقاومت بدن، همیشه به آشامیدنی های گرم دسترسی داشته باشد

* - هیأت طبی و کارمندان بیمارستان باید بدانند که با یک بیمار طرف اند، نه یک مجرم جنائی. نه بیماران مجرم اند و نه آنها زندانبان و باشی کنترل زندانبان.

۲- و اما آنچه در شفاخانه اختصاصی هرات با استناد به گفته بیمارانی که بعد از بیان اوضاع به رسانه ها، خود آزادانه و یا هم بنا برخواست فامیل ها به شفاخانه برگشته اند، جریان داشت:

* - در اتاق ها بین ۵ الی هفت بیمار به مانند رمه گوسفند در کنار یک دیگر جای داده شده بودند،

* - جهت استفاده تمام بیماران یک اتاق صرف یک دستشویی وجود داشت،

* - در دستشویی خبری از آب گرم و یا امکان استحمام نبود،

*- بیماران نه تنها لباس امنیتی خاص نداشتند، بلکه لباس های خودشان نیز ضد عفونی و ویروس زدائی نشده بود،
* - ظرف سه روزی که در شفاخانه بودند به جز "کچالو"ی جوش داده سرد و یک پارچه نان سرد، از غذا و امکانات دیگر خبری نبود.

*- برخورد هیأت طبی با تمام بیماران چنان بود، توگویی آنها مجرمین، جنایتکاران و قاتلان فرزندان این مرزوبوم اند که ایران آنها را فرستاده است. آنها در هر کلام شان به بیماران توهین روا می داشتند و به این نکته اصلاً توجه و باور نداشتند که اولاً آنها روی هزار و یک دلیل و به اجبار از افغانستان به ایران رفته بودند و در ثانی برگشت به وطن حق مطلق و مشروع آنهاست و هیچ کسی حق ندارد زیر هیچ عنوانی آنها را از ورود به کشور خودشان شماتت نماید.
هموطنان گرامی!

شما هر دو بخش را که یکی بنا بر گفته های وزیر صحت دولت دست نشانده تنظیم شده و دیگری از ورای مصاحبه های بیمارانی که مجدداً به شفاخانه مراجعه نموده اند، خوب با یک دیگر مقایسه کنید، آن وقت خود بگویند، اگر شما می بودید و در چنان وضعی قرار می گرفتید، عکس العمل شما چگونه می بود؟
تا جایی که من خود را می شناسم، صادقانه می نویسم اگر من هم به جای آن بیماران می بودم به مانند هر انسان عاقل دیگری، خود را از آنجا نجات می دادم، زیرا اگر تا آن وقت ویروس را نگرفته هم بودم، به یقین با توقف در آن بیمارستان خود به ویروس مبدل می گردیدم.
و اما این که چرا چنین است:

* - تا جایی که به فراهم آوری امکانات برمی گردد، واضح است که از حاکمیتی چنین دزد، غارتگر و فرومایه، نمی توان انتظار دیگری داشت. زیرا برای آنها در همچو موارد مهم آن است که بهانه برای تاراج منابع مالی به وجود آید، این که بر بیمار چه می گذرد، اصلاً برایشان مهم نیست. روی همین دلیل هم بود که مبلغ یک و نیم میلیون دالر نرسیده به هرات بین راه گم شد.

*- به ارتباط برخورد های هیأت های طبی و کارمندان شفاخانه با بیماران و این که آنها را مجرم و زندانی ندانند، بلکه بیمار و قابل پرستاری بدانند، برمی گردد به عدم موجودیت وجدان مسلکی در بین کارکنان شفاخانه.
*- با تأسف در کشور ما عدم وجدان مسلکی تنها به هیأت طبی محدود نمانده، بلکه حاکمیت امپریالیسم و ارتجاع بر سیستم های درسی و تربیتی افراد جامعه از خرد تا بزرگ باعث شده است که کمتر فردی را در جامعه بیابید که صاحب وجدان مسلکی خاص مسلکش باشد، یعنی معلم، شاگرد را اولاد خود بداند و به مانند اقتضاح لوگر به فکر استفاده جنسی از وی نباشد، پولیس خود را حافظ نظم و امنیت مردم دانسته نه خود دزدی و جنایت کند و نه هم با دزد سرجوال را بگیرد، سیاستمدار هدفش از گام گذاشتن به دنیای سیاست خدمت به خلق کشور و ارتقای کشور باشد، نه رسیدن به نان و نوا از طریق سرکوب مردم و فروش کشور و ...
هموطنان گرامی!

این که گفته اند هر ملتی سزاوار رهبری خودش است، بیهوده نیست. پس اگر خود را سزوار چنین حاکمیت دزد، وابسته و فاسدی نمی دانیم، بیانیجهت ریشه کن نمودن این حاکمیت که خطرناکتر از وروس کروناسست و می شود گفت خودش "ماشین تولید کروناسست" متحدانه به پا خیزیم.

سرکها ما را می طلبد!